



جوامع احکام النجوم

جبریل شادان

اثر دیگر وی تتمه صوان الحکمه است که یک بار در دمشق و بار دیگر در هند طبع^۶ گردیده است.

دیگر ذیلی است بر تاریخ یمینی، موسوم به مشارب التجارب و غوارب الغرائب و مشتمل بر رخدادهای تاریخ ایران در طول دوره صد و پنجاه ساله‌ای که ابتدای آن، ختم گزارشهای تاریخ یمینی است؛ یعنی از حدود ۴۱۰ تا حدود ۵۶۰ هجری را در بر می‌گیرد و آگاهی‌هایی از روزگاران غزنویان و سلجوقیان و خوارزمشاهیان به دست می‌دهد. مرحوم قزوینی نوشته: «بدبختانه در کتابخانه‌های اروپا که فهارس مطبوعه دارند، تاکنون اثری از این کتاب نفیس به دست نیامده است؛ ولی هیچ مستبعد نیست که در ایران یا در ترکیه یا در سایر ممالک اسلامی شرقی ملل هندوستان و افغانستان و ترکستان نسخه‌ای یا نسخی از آن موجود باشد و وقتی به دست بیاید.»^۷

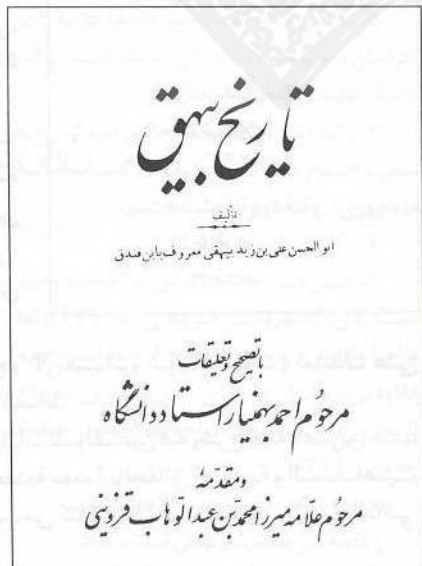
افزودنی است که خوشبختانه گفتاوردهایی از این مشارب التجارب به دست است:^۸

۱. یاقوت در معجم الادباء شرح حال خود بیهقی و برخی مطالب دیگر را از مشارب را نقل کرده است.
۲. ابن اثیر در الکامل فصلی از مشارب نقل کرده است.
۳. ابن ابی اصیبعه در عیون الأئباء فصلی از مشارب آورده.
۴. جوینی در جهانگشا فصلی از مشارب نقل نموده.
۵. حمدالله مستوفی، بتصریح، مشارب را از مآخذ تاریخ گزیده‌اش خوانده است.
- دیگر از آثار بیهقی ذیل اوست بر دمیه

ابوالحسن علی بن ابی القاسم زید بن محمد بن حسین بیهقی، مشهور به «ابن فندق»، از دانشمندان بزرگ ایران و اسلام در سده ششم هجری است.








وی در حدود سال چهار صد و نود زاده شده^۱ و در سال پانصد و شصت و پنج در گذشته و همروزگار محمد بن عبدالکریم شهرستانی، صاحب الملل و النحل، و سید اسمعیل جرجانی، صاحب ذخیره خوارزمشاهی، و هم طبقگان ایشان بوده است، و در عهد صغر، محضر عمر خیّام (اخّیامی) را دریافته. تحصیلاتش در فقه و ادب و حکمت و حساب و اخترشناسی بوده؛ سفرها نموده و کتابها نگاشته.^۲

یاقوت در معجم الأدباء، هفتاد و چهار اثر را ازین مرد به اسم و رسم بر شمرده^۳ و خیرالدین زرکلی ظاهراً به همین اعتبار، آثار او را منحصراً هفتاد و چهار عدد دانسته است.^۴ خوب است بدانیم ابن فندق، مصداق بیت شیخ است که فرمود: «همه قبيلة من عالمان دین بودند»:



پدرش را امام شمس الإسلام، پدر بزرگش را شیخ الإسلام جمال القضاة و الخطباء، پدر پدر بزرگش را حاکم امام مفتی فخر القضاة، و پدر این حاکم را قاضی امام الآفاق می‌خواندند و نیای فرازینش - که این سلسله از اویند - خزیمه بن ثابت انصاری بود.^۵

در میان فارسی زبانان، از آثار او، از همه شناخته‌تر تاریخ بیهقی است که عکس آن را مرحوم علامه قزوینی به ایران فرستاد و به سال ۱۳۱۷ ه.ش. در تهران به تصحیح و تحشیه زنده‌یاد احمد بهمینار منتشر شد.

رعل	المشتری	المریخ	الشمس	الزهرة	عطارد	القمر
						

القصر باخرزی که وشاح دمية القصر و لقاح
روضه العصر نام دارد و مربوط است به شعرای
روزگار وی.^۹

دیگر، غر الامثال و درر الاقوال (در دو
جلد) در امثال عرب که به قولی مأخذ مجمع
الامثال میدانی نیشابوری دانسته شده، ولی
این سخن نادرست به نظر می‌رسد.^{۱۰}

رعل	مستری	مریح	شمس	زهرة	عطارد	قمر
						

نیز بیهقی را شرحی است بر نهج البلاغة
به نام معارج نهج البلاغة که به اهتمام استاد
زنده نام محمد تقی دانش پژوه تصحیح و در
قم از سوی کتابخانه آیه الله العظمی مرعشی
نجفی - نور الله مرقده - منتشر شده است و
جای پژوهشی دوباره هم دارد که گویا برخی
فضلابدان اهتمام کرده‌اند.

چون منی که در نکوهش اختربینی و احکام نجوم دفترها پیرداختم،
چنین نگارشی ناروا خواهد بود.

آنان گفته‌اند که ما ناگزیر به دربار شاهان می‌رویم و شاید از ما
چیزی درباره این هنر بپرسند و ما ناچار خواهیم شد که به دفترها
بنگریم و چنین فرصتی ما را دست نخواهد داد. پس برای اینکه زبانی
را از ما دور بداری، چنین دفتری بنگار.

من از آنان پذیرفتم و به پارسی هم نوشتم تا در نزد شاهان به
ترجمانی نیازمند نشوند و این را جوامع احکام النجوم نامیدم. چه،
آن را از سخنان پیشینیان و پسینیان فراهم آوردم و هر چه در آنها بود
در اینجا گرد کردم و بیشتر از نگارشهای زرادشت، ماشاء الله
ابومعشر، احمد عبدالجلیل، ابن الخصیب، غلام زحل، تئوفیل
رومی، حنه هندی گرفته‌ام.

هر چه از پیش بینهها که در اینجا می‌بینید، بگویند که شاید بشود،
نه اینکه بی‌گمان خواهد شد.

چنان که زنده‌یاد دانش پژوه نوشته است:^{۱۴}

این دفتر تنها در اختر بینی^{۱۵} است و بیهقی دیگر مبحثهای
ستاره شناسی را به خلاصة الزیجات و امثلة الاعمال النجومیة خود
بازگشت می‌دهد.

مصنّف جوامع که کیفیت اعتقادش را به امر اختربینی دیدیم،
در آغاز فصل یکم می‌گوید که خود دیدم که اسب فرمانروایی کره
زاید و ارتفاع آن هنگام را گرفتند و به ستاره شماری دادند و گفتند
که فرمانروا را پسری شد و می‌خواهیم با این ارتفاع ولادت طالع او را
بدانیم. بیچاره اختربین کوششها کرد و آنچه می‌دانست از اعمال و
احکام طالع بیامود. از این کارش همه می‌خندیدند و سر زبانهها

کتابی به نام لباب الانساب و القاب الاعقاب هم دارد که در برخی
دستنوشتهها نهایت الانساب خوانده شده و گذشته از تبارهای
هاشمیان و جد اول خاندانهای ایشان، نقبای شهرهای بزرگ
اسلامی هم در آن مذکورند و آگاهیهای تاریخی نفیسی دارد. مجلد
یکم - که بعضی پنداشته‌اند شاید بیهقی از آن پیشتر هم نرفته
باشد - به رمضان ۵۵۸ پایان یافته است و در متن کتاب از تاریخ بیهقی
خود یاد کرده.^{۱۱}

دستنوشتی از لباب الانساب به شماره ۲۶۹۵ در کتابخانه
مدرسه سپهسالار (سابق) هست و گویا از روی دستنوشتی از همین
کتاب کتابت شده باشد که از آن کتابخانه آستان قدس رضوی
- علیه السلام - و یادگار سده دهم است و شماره ۵۷۴۰ دارد.^{۱۲}
طبع مغلوطی از این کتاب در قم صورت پذیرفته است.

کتاب دیگری بیهقی راست به نام جوامع احکام النجوم که درین
یادداشت موضوع اصلی سخن ماست. بیهقی این اثر را در ده فصل
و سه مجلد به زبان فارسی پیرداخته و در دیباجة آن گفته^{۱۳}:

«دوستانم به من گفته‌اند: اگر چه ستاره شناس و کاهن در دین
یکسانند و این علم در شفا و نجات به دلیلهایی تباه و در رساله فارابی
در این باره سست نموده شد و توهم در ذخائر الحکم و عرایس
النفیس فی اصناف العلوم در تباه ساختن آن سخنها آورده‌ای، باز
اگر از این علم آنچه بیشتر بشود بدان گرایید، در یک دفتری فراهم
آید، برای خواننده آن بهتر خواهد بود.

من به آنان گفتم با این سخنان که آورده‌اید، دیگر چنین
درخواستی نکنید؛ چه سستی اندیشه احکامیان آشکار گشت و از

بیهقی در آغاز کتاب، نگارشهای خود را چنین برمی شمارد:
 و شاح دمیة القصر و لقا ح روضة العصر، در السحاب و حدایق
 الوسائل الی طریق الرسائل (که هر دو یک مجلد و در نامه‌ها است) -
 کتاب العرض و الرسائل الخفیة (یک مجلد دیگر) - قوام علوم
 الطب - اطمة المرضی - الوقیة فی منکر الشریعة - ذخائر
 الحکم - مناہج الدرجات فی شرح کتاب النجاة (شش مجلد) -
 تنبیه العلماء علی تمویہ المتشبهین بالحکماء - کنز الحجج در
 اصول - عرایس النفایس فی اصناف العلوم - مجامع الامثال (چهار
 مجلد) - شرح مقامات حریری - ازاهیر الریاض المریعة و شرح
 الالفاظ المستعملة فی المحاوره و الشریعة - امثلة الاعمال
 النجومیة - قرائن آیات القرآن - ازهار اشجار الاشعار - ربیع
 العارف - آداب السفر - معرفة الكرة و ذات الحلق و الاضطراب -
 بساتین الانس و دساتین الحدس فی براهین النفس - المشتهر فی
 نقض کتاب المعبر - التحریر فی التذکیر - مشارب التجارب فی
 التواریخ (دومجلد) - شرح کتاب نهج البلاغة - تتمه صوان
 الحکمة - درة الوشاح - رسائل - مختصرات؛ و از این فهرست بر
 می‌آید که جوامع احکام النجوم، پس از آغاز کردن معارج نهج
 البلاغه (۵۵۲) و تتمه صوان الحکمة (میان ۵۶۵-۵۵۳) به
 نگارش در آمده است.^{۱۷}
 با توجه به پایگاه مصنف و ارزش کتاب از منظر تاریخ علم و

پی‌نوشت:

۱. در مطبوع ارشاد الاذیب یاقوت سال ولادت او ۴۹۹ آمده است که بدون شک نادرست و متأسفانه به برخی مآخذ چون الاعلام زرکلی راه یافته است. نقد آن غلط را علامه قزوینی (ره) نوشته است؛ نگر: مقالات علامه قزوینی، گردآورنده: عبدالکریم جریزه دار، ج ۵، ص ۱۳۴۷-۱۳۴۹ (حاشیه).
۲. نگر: مقالات علامه قزوینی، ج ۵، ص ۱۳۵۰-۱۳۴۷؛ و: الاعلام، ج ۴، ص ۲۹۰.
۳. نگر: تاریخ بیهقی، تصحیح بهمنیار، ص یج.
۴. نگر: الاعلام، همان جا.
۵. سنح: فهرست کتابخانه اهدایی آقای سید محمد مشکوة به کتابخانه دانشگاه تهران، ج ۳، بخش دوم، ص ۸۷۶.
۶. نگر: همان، همان، ص ۸۷۸.
۷. مقالات علامه قزوینی، همان، صص ۱۳۵۳-

۱۳۵۱

۸. سنح: همان، صص ۱۳۵۹-۱۳۵۶.
۹. نگر: کشف الظنون، حاجی خلیفه، ج ۲، ص ۲۰۱۱.
۱۰. نگر: مقالات علامه قزوینی، همان، ص ۱۳۵۴.
۱۱. نگر: فهرست کتابخانه سپهسالار، بخش پنجم، ص ۴۶۹ و ۴۷۰.
۱۲. نگر: همان، همان، ص ۴۷۰؛ و: فهرست الفبائی کتب خطی کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی - علیه السلام، - فکرت، ص ۴۸۰.
۱۳. فهرست کتابخانه اهدایی آقای سید محمد مشکوة...، همان، ص ۸۷۶.
۱۴. همان، همان، ص ۸۷۷.
۱۵. در اصل «اخیر بینی» چاپ شده!
۱۶. سنح: همان، همان، همان.
۱۷. نگر: همان، همان، همان.
۱۸. سنح: الذریعة، ج ۵، ص ۲۴۶.

شناخت باورهای ستاره شناختی پیشینیان و همچنین زبان‌شناسی و مطالعات زبانی و فارسی پژوهی و اینکه^{۱۸} بیهقی این کتاب را از دویست و پنجاه و دو اثر گردآوری نموده است، پژوهش و نشر آن حائز اهمیت فراوان است.

دستنوشتی از آن به نستعلیق حدود سده هشتم در کتابخانه آقای عبدالمجید مولوی در مشهد محفوظ بوده و پیشتر، از آن شاهزاده قهرمان میرزا نوه فتحعلیشاه، بوده است.^{۱۹}

دستنوشت نفیسی هم مرحوم سید محمد مشکوة در سبزوار دیده بوده که مورخ به سال ۹۴۹ ه.ق. بوده است.^{۲۰}

سه دستنوشت آن، از سده های نهم و دوازدهم و سیزدهم، در کتابخانه ملی ملک هست (به شماره های ۳۲۳۱ و ۳۳۶۸ و ۳۶۲۰)؛^{۲۱} و دو دستنوشت، هر دو از سده دهم، در کتابخانه امیرالمؤمنین - علیه السلام - در نجف.^{۲۲}

دو دستنوشت آن، از سده یازدهم، در کتابخانه دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران (به شماره های ۲۱ ج و ۵۱۸ د)، محفوظ است؛^{۲۳} و دو دستنوشت، از سده یازدهم در کتابخانه مجلس شورای اسلامی (به شماره های ۴۰۴۱ و ۲۱۳۵)؛^{۲۴}

دستنوشتهای دیگری از اثر، در جامعه نجف و مجموعه مرحوم دهخدا و دانشگاه تهران هستند که از سده های دوازدهم و سیزدهم بر جا مانده اند.^{۲۵} سه دستنوشت از سده سیزدهم نیز در کتابخانه مرحوم آیت الله العظمی مرعشی نجفی در قم (به شماره های ۶۲۱۷ و ۶۴۳۶ و ۷۳۸۵) نگاهداری می شود.^{۲۶}

۱۹. نگر: مجله «نسخه های خطی»، به اهتمام افشار

و دانش پژوه، ج ۵، ص ۲۰.

۲۰. نگر: تاریخ بیهقی، ص یج (حاشیه).

۲۱. سنح: فهرست کتابهای خطی کتابخانه ملی ملک، ج ۲، ص ۱۹۰ و ۱۹۱.

۲۲. نگر: نشریه «نسخه های خطی»، همان ج، ص ۴۱۳ و ۴۱۸.

۲۳. سنح: فهرست نسخه های خطی کتابخانه دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران، گردآوری: حجتی، نظارت: دانش پژوه، [ج ۱] ص ۴۴.

۲۴. نگر: فهرست نسخه های خطی فارسی، احمد منزوی، ج ۱، ص ۲۸۴.

۲۵. نگر: همان، همان، همان.

۲۶. نگر: فهرست نسخه های خطی کتابخانه عمومی حضرت آیه الله العظمی نجفی مرعشی، ج ۱۶ و ۱۷ و ۱۹.